

تهیه گونه‌های جانوری، تور و تله گذاری شکار، تشریح، پوست‌کنند و ضد عفونی کردن پوست و اسکلت بندی و... مورد توجه پروفیسور قرار گرفت. بعد از پایان پذیرفتن پروژه، توسط پروفیسور به شادروان «منوچهر ریاحی» که دبیر کل وقت کانون شکار بود معرفی و امکان همکاری من با کانون فراهم شد. شهریور ماه سال ۱۳۴۱ من و برادرم (نورالله تاجبخش) از سوی سازمان شکاربانی و نظارت بر صید برای فعالیت در بخش شکار و تاکسیدرمی دانشگاه واشنگتن به موسسه بین‌المللی برادران جونز و سازمان جهانی گردشگری (WTO) معرفی شدیم. من ابتدادر دانشگاه واشنگتن دوره زبان تخصصی را فرا گرفتم و سپس در موسسه «برادران جونز» دوره‌های جانورشناسی، رفتارشناسی حیوانی، عکاسی، طراحی و... را آموختم و موفق به گرفتن مدرک استادی در حوزه تخصصی تاکسیدرمی شدم.

در سال ۱۳۴۸ به وطن بازگشتم و جهت تأسیس موزه «تاریخ طبیعی» با سازمان شکاربانی و نظارت بر صید (همان کانون شکار) همکاری ام را ادامه دادم. مراحل اولیه هنر، علم و فن تاکسیدرمی در ایران را بنا نهادم و در سال ۱۳۴۹ اولین نمایشگاه تروفه شکار برای موزه تاریخ طبیعی را در تهران برگزار کردم. از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۰ مدیریت نمایشگاه و بخش تاکسیدرمی در سازمان حفاظت محیط زیست را بر عهده داشتم.

در سال ۱۳۵۰ به سمت ژوری شکار و صید از آسیا انتخاب شدم. اولین نمایشگاه بین‌المللی تروفه ملی شکار در کشور مجارستان (بوداپست) را برگزار کردم و با مجموع ۱۲۲ مدال (۷۸ مدال طلا، ۲۵ نقره و ۱۱ برنز) به عنوان داوور بین‌المللی شکار از آسیا انتخاب شدم. سپس ۱۵ نفر استخدام و در زمینه طراحی، مجسمه‌سازی، نقاشی، برگ و گل‌سازی مصنوعی و غیره به آنها آموزش دادم. و در پی آن اولین مرکز تکثیر و احیای پرندگان شکاری، بانگهداری و تکثیر حدود ۴۰ پهلله انواع بازهای شکاری را در ایران تأسیس کردم که این مرکز به عضویت سازمان جهانی تکثیر و احیای پرندگان شکاری پذیرفته شد. سپس باشگاه شکار و دوستداران طبیعت را تأسیس و پرندگان ایران را جهت تهیه انواع گونه‌های بومی و مهاجر نامگذاری کردم.

طی سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۸۱ به نقاط مختلف ایران و بسیاری از کشورهای جهان سفر کرده و محیط زیست و حیات وحش را مورد مطالعه قرار دادم و در این سفرها نمونه‌های زیادی از پرندگان و پستانداران را برای موزه‌های تاریخ طبیعی ایران تهیه کردم.

در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ در کشور مکزیک بنا به پیشنهاد موسسه تاکسیدرمی «برادران جونز» برای ساخت موزه تاریخ طبیعی و تأسیس شعبه تاکسیدرمی آن منطقه فعالیت کردم و خود در رشته بافت‌شناسی حیوانات وحشی مدرک P.H.D اخذ کردم و در شهر تگزاس چندین باغ وحش جهت نگهداری حیوانات وحشی از سراسر دنیا دایر کردم. در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۸ موزه طبیعت و حیات وحش ایران در دارآباد را دایر کردم.

شیر در ازای سر قوچ!

شکار جاندار برای تاکسیدرمی دارای فلسفه و تز خاصی

است. یعنی حیواناتی از گونه‌های کمیاب، بزرگترین، پیرترین، زیباترین و... حیوانات باید شکار شوند. گاهی حیواناتی در باغ وحش بیمار می‌شوند و دامپزشک تشخیص می‌دهد این حیوان به زودی می‌میرد که در این حالت دامپزشک قبل از اینکه حیوان به مرگ طبیعی بمیرد با تزریق دارو حیوان را می‌کشد و مسولین باغ وحش آن را برای تاکسیدرمی در اختیار ماقرار می‌دهند. گاهی اوقات حیوانات را از باغ وحش می‌خریم و گاه آن را با حیوان تاکسیدرمی شده معاوضه می‌کنیم. مثلاً شیر در ازای سر قوچ و...

پروانه‌های سمی

خشک کردن پروانه‌ها هم شاخه‌ای از تاکسیدرمی است که به آن «تاله» می‌گویند. عملیات تاکسیدرمی که روی حیوانات انجام می‌شود قابل اجرا روی پروانه‌ها و حشرات نیست. به همین منظور برای خشک کردن پروانه‌ها محلولی را به آنها تزریق می‌کنند و پروانه را برای حشرات غیر قابل استفاده می‌کنند. حشره وقتی به پروانه نزدیک می‌شود بلافاصله طعم تلخ آن را حس می‌کند و دور می‌شود.

خانواده

سال ۱۳۴۸ از دواج کردم و ثمره این ازدواج دوفروزند دختر و پسر است. دخترم دکترای حقوق دارد و کار و کالت انجام می‌دهد. پسر من در دوران کودکی و نوجوانی در کار مجسمه‌سازی به من کمک می‌کرد. او فارغ التحصیل رشته آرشیوتک از دانشگاه سانتیاگو می‌باشد و یکی از معروفترین آرشیوتک‌های آمریکاست.

خواستگاری جالب

وقتی به خواستگاری همسرم رفتم، گفتم: «من همسر دیگری هم دارم» خانواده‌ها با تعجب و خشمگین به من نگاه کردند و قبل از اینکه کار به جای باریک بکشد گفتم: «همسر اول من طبیعت و شکار و شغل من است که به آن عشق می‌ورزم. شغلم ایجاب می‌کند ماهها خارج از شهر و کشور باشم. به لطف خدا همسر من نیز به شغل من عشق می‌ورزد و از اصلی‌ترین مشوقان من است. مثلاً زمانی که دخترم به دنیا آمد من در شکار گاهی در سمان بودم حتی این مساله کوچکترین ناراحتی را در همسر من موجب نشد.

خانه امانه!

در منزل جانور تاکسیدرمی شده ندارم. من در کارگاه ساعت‌ها با کله و شاخ و نمونه سرو کار دارم و احساس می‌کنم اگر در خانه هم به این شکل باشد از کار زده می‌شوم. جوانتر که بودم بارها اتفاق افتاده بود که یک شبانه روز بدون خستگی مشغول انجام کار بودم. حالا که در مرز ۷۰ سالگی هستم روزی حدود ۵ ساعت در کارگاه هستم و بقیه ساعت روز را به رسیدگی به کارهای دانشجویانم می‌پردازم.

تعطیلات نوروز را در تهران خواهیم بود. ایام عید با توجه به خلوت بودن تهران بهترین فرصت برای سرزدن به دوستان و آشنایان است. البته گاهی هم به موزه می‌آیم و کارهای ناتمام را انجام می‌دهم و توصیه می‌کنم مردم هم به دارآباد بیایند و با شگفتی‌های طبیعت موجود در آن آشنا شوند.

شکارشناس معروف ایرانی

بناسبت مولفیت ایران در نمایشگاه بین‌المللی شکار بود است

سبمت داوور نمایشگاه جهانی انتخاب شد

او ایرانی دوفروید چهار سبت برجهسته شکار می‌توانی که از کشور ایران به فرانسه و انگلستان فرستاده شد. فراد حرفت بر عظمت جانی شکار ایران است روز ایران اعلام شد به مراسم پخش و انجمنت بهر حیات وحش را داشته در این شکار را نظارت می‌کنی و سرگز شریبه و کتبه شکار سازمان جهانی داوور سبمت



آقای هدایت تاجبخش

روزنامه اطلاعات - ۱۲ شهریور ۱۳۵۰



سال ۱۳۴۸ - شروع کار دکتر هدایت تاجبخش. کارگاه تاکسیدرمی موزه حیات وحش و تاریخ طبیعی دارآباد



سال ۱۳۴۸ - خویلاقی شکار بلنگ توسط هدایت تاجبخش



سال ۱۳۴۴ - تهران - افتتاح اولین موزه تاریخ طبیعی در ایران



سال ۱۳۵۲ - سبیر سبیری شکار شده توسط هدایت تاجبخش و هیات همرا، کنار رودخانه آمور، کره شمالی



سال ۱۳۷۲، دارآباد - تاجبخش در حال تران پوست شیر آفریقای

زندگی بشادمانی و غم همرا هست و نباید از آن بیم داشت

دارشوخو کواد

